

مالدیو زیر ذره بین پکن
دهلی و واشنگتن

مالدیو، مجمع الجزایری در اقیانوس هند است که اخیراً درگیر رقابت قدرت‌های بزرگ شده است. این کشور اخیراً پس از سال‌ها همکاری نزدیک با هند، روابط خود را با چین ارتقا داده است که بازتابی از اقدامات مشابه سایر کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام است. این تغییر باعث بروز نگرانی‌های تازه‌ای در هند و ایالات متحده در مورد گسترش نفوذ دریایی چین در اقیانوس هند و اقیانوس آرام شده است. مشارکت رو به رشد کشورها در ابتکار کمربند راه، تغییرات اقتصادی قابل توجهی را به همراه داشته است.

مالدیو از زمان پیوستن به طرح کمربند راه چین در سال ۲۰۱۴، حدود یک میلیارد و چهار میلیون دلار از بانک‌های چینی وام گرفته است که این وام اکنون ۲۰ درصد از بدهی دولتی مالدیو را به خود اختصاص داده است. چین چندین سرمایه‌گذاری زیرساختی بزرگ در مالدیو از طریق کمربند راه انجام داده است؛ از جمله ساخت پل دوستی چین و مالدیو به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار که جزایر Hulhulé و Hulhumale را به پایتخت مالدیو متصل می‌کند. روابط دوجانبه چین و مالدیو در دوران ریاست‌جمهوری جدید محمد مویز تقویت شد. مویز در ژانویه سال ۲۰۲۴ به پکن سفر کرد و بیست توافقنامه جدید با پکن امضا کرد که شامل کمک مالی و نظامی می‌شود. روابط ارتقایافته میان دو طرف، همچنین مزایای بالقوه‌ای برای چین دارد. مالدیو در امتداد یکی از شلوغ‌ترین گذرگاه‌های تجاری دریایی در اقیانوس هند قرار دارد که نزدیک به ۸۰ درصد واردات نفت چین از آن عبور می‌کند. تحلیلگران می‌گویند پکن از مالدیو می‌خواهد که برای کمک به حفاظت از دسترسی خود به نفت خلیج فارس، روابط دوستانه‌ای با چین داشته باشد. مویز برنامه‌ها را با چین را پس از اینکه حزبش اکثریت پارلمانی را در آوریل ۲۰۲۴ به دست آورد، بیشتر تقویت کرد. بسیاری از ناظران می‌گویند که مویز به دلیل خشم فرآیندها در میان جمعیت اکثر مسلمان مالدیو که از رفتار نخست‌وزیر هند با مسلمانان عصبانی هستند، به نفع خود استفاده کرده است. از زمان روی کار آمدن، مویز از هند درخواست مالدیو را با تکنسین‌های غیرنظامی جایگزین کند. در همین حال، هند اعلام کرده است که قصد دارد یک پایگاه دریایی جدید در جزیره مینیکوئی در مجمع الجزایر لاکشادویپ، که در مجاورت مالدیو است، تأسیس کند. گردشگری نیز به نقطه مرکزی تنش بین دو کشور تبدیل شده است. پس از بازدید مویز از چین، نازندرا مودی گردشگران را تشویق کرد که از لاکشادویپ بازدید کنند و رزرو توریست‌های هندی به مالدیو در ماه‌های بعد ۳۳ درصد کاهش یافت.

کاهش توریست‌ها می‌تواند پیامدهای اقتصادی عمده‌ای برای مالدیو داشته باشد چراکه گردشگری نزدیک به ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی مالدیو را تشکیل می‌دهد و توریست‌های هندی دومین سهم بزرگ از بازار گردشگری این کشور را در سال ۲۰۲۳ به خود اختصاص داده‌اند. با این وجود، تحلیلگران می‌گویند که مویز نمی‌خواهد چین را جایگزین هند کند، بلکه به دنبال استفاده از روابط دو کشور به‌عنوان اهرمی برای تضمین بهترین معامله است. مالدیو هنوز بخشی از استراتژی سیاست خارجی «اول همسایگی» مودی است که هدف آن تقویت روابط با همسایگان جغرافیایی هند است. براساس این دکتین، دهلی نو در سال ۲۰۲۱ به مالدیو ۵۰۰ میلیون دلار برای پروژه‌های جاده و پل وام داد و یک خط اعتباری ۱۰۰ میلیون دلاری را در سال ۲۰۲۲ برای حمایت از طرح‌های توسعه، از جمله امنیت سایبری و مسکن ارزان قیمت به مالدیو اعطا کرد. هند از زمان استقلال جزایر مالدیو از بریتانیا در سال ۱۹۶۵، شریک اصلی این کشور بوده است. مقامات چینی در اواخر دهه ۱۹۹۰ سفرهای دیپلماتیک خود به مالدیو را آغاز کردند و روابط چین و مالدیو پس از انتخاب عبدالله بمین، رئیس‌جمهور مالدیو در سال ۲۰۱۳ شتاب گرفت. در سال ۲۰۱۷، عبدالله بمین توافقنامه تجارت آزاد را با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین امضا کرد، اما این معاهده توسط جانشین او، ابراهیم محمد سلیم، که به دنبال گسترش همکاری‌های اقتصادی دوجانبه با هند بود، متوقف شد. ایالات متحده هم مالدیو را به عنوان یک شریک امنیتی مهم می‌بیند و ابتکارات مبارزه با تروریسم و تجارت را با مالدیو دنبال کرده است. با این حال، واشنگتن در سال ۲۰۲۳ سفارت خود را در این کشور تأسیس کرد و کمک‌های اقتصادی ۳۶ میلیون دلاری آمریکا طی پنج سال گذشته تحت‌الشعاع کمک‌های مالی چین و هند قرار گرفته است.



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

کتاب «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه» ترجمه کتابی است که آرش رئیسی‌نژاد، استاد مدعو دانشگاه علوم اقتصاد و سیاسی لندن سال ۲۰۱۶ با عنوان «شاه ایران، کردهای عراق و شیعیان لبنان» منتشر کرد. این کتاب پس از ۸ سال توسط پرسیا فرهادی ترجمه و به وسیله نشرنی در ایران منتشر شده است. ترجمه فارسی کتاب دومین ترجمه از این کتاب است که پیش از این به کردی هم ترجمه شده بود. رئیسی‌نژاد که دکتری روابط بین‌الملل خود را از دانشگاه بین‌المللی فلوریدا گرفته است، از سال ۱۳۹۸ به ایران آمد و در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. دوران حضور آرش رئیسی‌نژاد در ایران کوتاه بود و پس از موج تصفیه اساتید غیرهمسو در دانشگاه‌ها، او نیز یکی از قربانیان قطع همکاری دانشگاه تهران شد و پس از چندی ایران را ترک کرد. «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه» دومین کتاب رئیسی‌نژاد است که در ایران منتشر می‌شود. سال ۱۴۰۰ نیز کتاب «ایران و راه ابریشم نوین» توسط نشر دانشگاه تهران از او منتشر شده بود. به گفته نویسنده ترجمه این کتاب بدون تعدیل در ایران منتشر شده است و گرفتار تیغ سانسور نشده است. «شاه و شطرنج خاورمیانه» بررسی دقیقی از اسناد و روایات حضور منطقه‌ای ایران و روابط حکومت شاه با بازیگران غیردولتی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ است که نشان می‌دهد سیاست حمایت ایران از بازیگران غیردولتی برای رسیدن به اهداف خود از پیش از انقلاب اسلامی هم بخشی از استراتژی منطقه‌ای تهران بوده است. این کتاب به‌صورت ویژه روابط حکومت شاه با کردهای عراق و مصطفی بازرانی و همچنین حمایت شاه از تلاش‌های امام موسی صدر برای ایجاد همبستگی و ارتقای جایگاه شیعیان در لبنان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که حکومت شاه به صورت ویژه از تلاش‌ها برای تقویت بازیگران غیردولتی برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای اش به ویژه مقابله با قدرت گرفتن ناسیونالیسم عربی و نفوذ کمونیسم استفاده کرده است. در ادامه گزارشی از جلسه رونمایی کتاب «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه» که با حضور کاوه بیات، تاریخ‌پژوه و مجید تفرشی، سندی‌پژوه و همچنین حضور آنلین آرش رئیسی‌نژاد، نویسنده کتاب در نشر نی برگزار شد، خواهیم داشت که در ادامه می‌آید.

کاوه بیات:

سیاست قابل دفاع منطقه‌ای شاه



مباحث مطرح‌شده در کتاب «شاه و شطرنج خاورمیانه» با توجه به نوع نگاه کنونی به سیاست، می‌تواند بسیار سنگین باشد. این کتاب می‌تواند این تصور را ایجاد کند که جمهوری اسلامی در حوزه‌هایی مانند عراق و لبنان همان سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که مقدماتش در دوران شاه چیده شده است. برای یک نظامی سیاسی که تصور می‌کند رویگردانی کامل نسبت به گذشته دارد و طرحی نو در انداخته است، مقایسه سیاستش با دوره پیشین می‌تواند گران تمام شود. مسئله دیگری که شاید پذیرفتنش برای برخی گران باشد، تصویر پریچ و خمی است که از سیاست‌های ایران در دوره مورد بحث به نمایش گذاشته شده است؛ تصویری که با تصور رایج از محمدرضاشاه به‌عنوان یک عنصر دست‌نشانده و بی‌اختیار در پیشبرد منافع آمریکا در تعارض است. ایران در سیاستش برای استفاده از گروه‌های غیردولتی عراق، همانگونه که در کتاب به آن پرداخته شده، در آغاز از حمایت مقام‌های آمریکایی برخوردار نبود، هرچند که از یک دوره به بعد توانست همراهی آنها را جلب کند.

سفر امام موسی‌صدر به لبنان در سال ۱۹۳۸، تلاش ایران برای استفاده از شیعیان لبنان برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای اش، جایگاهی که امام موسی صدر در آن کشور پیدا کرد و بالاخره رویگردانی مقام‌های ایران از او، موضوع ناشناخته

کتاب
دیپلماسی

آرش رئیسی‌نژاد از معدود محققانی است که خارج از رشته تاریخ، وارد حیطه تاریخ معاصر شده است و موضوع را به قول معروف «نقله» نکرده است. کتاب آقای رئیسی‌نژاد از نمونه‌های درخشانی است که توانسته هر دو طرف را راضی نگه دارد؛ هم از لحاظ تئوری و تحلیل خیلی غنی است و هم از لحاظ پژوهش اسناد و مستندات تاریخی قدرتمند محسوب می‌شود

و جدیدی نیست. تلاش ایران برای بهره‌برداری از کردهای عراق که آن نیز در این کتاب به تفصیل بررسی شده هم موضوع ناگفته‌ای نیست، به دلیل ماهیت کمابیش استبدادی حاکمیت ایران در اواخر دوران قاجار و پهلوی و فقدان یک نظام پیشرفته و جافتاده سیاسی، جز در مواردی نادر و استثنایی، هیچ سند و گزارشی رسمی در مورد نحوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کلان در دسترس نیست. به همین دلیل هر پژوهشگری که بخواهد برای شناسایی سیاست‌های کلان کشور در شرایط مختلف کشور تلاش کند، جز نوعی استنتاج از فرآیند تصمیم‌گیری، راه دیگری ندارد و گاه مجبور است به حدس و گمان متوسل شود. نویسنده شاه و شطرنج قدرت نیز در فقدان چنان اطلاعات و داده‌هایی جز توسل به چنان استنتاجاتی راه دیگری نداشت. اما آنچه این بررسی را از پژوهش‌های مشابه متمایز می‌کند و به استنتاج‌های آن اعتبار می‌بخشد، وجه جامع و کامل بررسی‌هایی است که صورت گرفته است. بررسی اسناد در این کتاب، به‌ویژه در بررسی اسناد ساواک و همچنین اسناد وزارت خارجه که هنوز برای همگان منتشر نشده است، بسیار دقیق و بعضاً استثنایی است. تنها حوزه‌ای که هنوز دسترسی به اسناد آن وجود ندارد، اسناد ارتش است.

این کتاب همانگونه که نویسنده در پیشگفتار آن اشاره کرده، کاملاً از دریچه‌ای نو به سیاست خارجی ایران در آن دوره تاریخی نگاه می‌کند. اما سؤالی هم در مورد نحوه پرداختن این کتاب به موضوع وجود دارد. آیا سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، آنگونه که در تبلیغات و رسانه‌های مخالفان و رقبای منطقه‌ای کشور مطرح می‌شود، در ادامه سیاست‌های منطقه‌ای رژیم سابق است؟ البته هیچ کشوری نمی‌تواند فارغ از الزامات گریزناپذیر جایگاه جغرافیایی و پیشینه جغرافیایی و فرهنگی اش عمل کند و از این رو می‌توان از وجود تشابه‌های فراوان در سیاست دو کشور یاد کرد. اما جمهوری اسلامی حقیقتاً طرحی نو و متفاوت ارائه کرده است، زیرا از همان بدو کار نه به‌عنوان یک دولت-ملت متعارف، بلکه به‌عنوان یک حرکت امت‌محور و یک نهضت‌هایی بخش منطقه‌ای وارد کار شد و هنوز هم به همین ترتیب عمل می‌کند. تلاش برای نشان دادن تداوم سیاست‌های عصر پهلوی در دوره جمهوری اسلامی، نیرنگی بیش نیست.

در اشاره‌ای دیگر به تفاوت‌های این دو دوره از تفاوت‌های عمده‌ای می‌توان اشاره کرد، که به حوزه‌های تمرکز و توجه سیاست خارجی ایران مربوط می‌شود. در حالی که یک کشور متعارف باید تمام مسائل جاری در حوزه‌های پیرامون خود را در نظر داشته باشد و بر همین اساس عمل کند، چنین به نظر می‌آید که در این چند دهه سیاست خارجی ما اساساً معطوف به این حوزه نبوده است و اگر هم گاهی ناچار شده‌ایم در قبال تحولات دیگر مناطق همسایه واکنشی نشان دهیم، از سر ناچاری بوده است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد موضوع استقلال عمل حکومت پهلوی است. اگر از نگاه آرمانی به موضوع استقلال صرف نظر کنیم و عوامل مختلف و اجتناب‌ناپذیر که موقعیت جغرافیایی، توانایی کشور و معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را که خواهی نخواهی چنین استقلال را محدود می‌کنند، در نظر داشته باشیم، می‌توان گفت که سیاست‌های منطقه‌ای شاه در این دوره از لحاظ تأمین منافع کشور، سیاست‌های درستی بود.

مجید تفرشی:

توازن تاریخ‌نگاری مستند و تحلیل تئوریک



با توجه به دوگانه‌ای که در تاریخ‌نگاری رسمی و اپوزیسیون وجود دارد، کتاب با مسیر دشواری برای پرداختن به سیاست‌های منطقه‌ای عصر پهلوی مواجه بود. یکی از موضوع‌هایی که در کتاب چه به صورت فصل‌های مجزا و چه به صورت پراکنده در فصل‌های مختلف به آن اشاره شده، موضوع پیمان بغداد و پیمان سنتواست. طبیعتاً در تاریخ‌نگاری فارسی در مورد این دو پیمان اطلاعات زیادی نداریم و در اسناد بین‌المللی هم به‌خصوص در اسناد آمریکا، ترکیه، عراق و پاکستان به‌صورت پراکنده در مورد آن مطالبی هست. در اسناد بریتانیایی مطالب زیادی در مورد پیمان سنتو، در مورد پیدایش این پیمان، نقش ایران و فرجام این پیمان وجود دارد. به‌صورت گذرا اشاره کنم که در مورد پیمان سنتو خیلی کمی انجام شده است و جای کار زیادی وجود دارد. بر خلاف تصور رایج تصمیم ایران برای خروج از پیمان سنتو توسط شاپور بختیار گرفته شد و نه بعد از انقلاب در ایران. این اقدام هم یکی از مراحل پروژه ردودن شعارها و اهداف انقلابی‌ها بود. ایران محور موجودیت سنتو بود و عملاً لاف‌افاصله بعد از خروج ایران، سنتو به حالت تعلیق درآمد و بعد از قطعی شدن خروج ایران که اندکی بعد از انقلاب رخ داد، پیمان کاملاً متلاشی شد. موضوعی که در این کتاب به آن پرداخته شده و جا داشت به نظر من ریزت به آن پرداخته می‌شد، چون مرتبط با بلندپروازی‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای شاه است، اشاره مستقیم‌تر به تحولات خلیج فارس در سال‌های پس از ۱۹۶۸ و تصمیم بریتانیا برای خارج کردن نیروهایش از خلیج فارس و اجرایی شدن این تصمیم در سال ۱۹۷۱ و تأسیس دولت‌های قطر، کویت، بحرین و امارات متحده عربی است و هم‌زمان مسئله بازگشت جزایر سه‌گانه است. مسئله دیگر جنگ ۱۹۷۳ که در این کتاب به آن پرداخته شده و تبعات آن، یعنی افزایش سه‌تا چهار برابری قیمت جهانی نفت است. این دو حادثه باعث می‌شود ایران در منطقه اقتدار کامل‌تر و بیشتر پیدا کند و پول بیشتری تزریق کند. این دو اتفاق روی سیاست‌های منطقه‌ای حکومت پهلوی و محمدرضاشاه در دهه ۱۹۷۰ میلادی بسیار مؤثر است. تاپیش از این به دلیل حضور نیروهای بریتانیایی در خلیج فارس و درآمد پایین نفت، شاه توان اجرایی کردن بلندپروازی‌های خود را در منطقه نداشت.

در کتاب به مسئله قرارداد الجزیره در سال ۱۹۷۵ اشاره شده، که جا داشت بیشتر به آن پرداخته شود. صدام حسین در آن زمان نخست‌وزیر و نایب‌رئیس‌جمهور عراق بود و این قرارداد بین او و شاه امضا شد. این یک دستاورد بزرگ تاریخی برای ایران بود و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت. آنقدر از اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ محرز است، که تا همین امروز هم عراقی‌ها چه آنها که هوادار ایران هستند، چه آنها که گرایش یعنی دارند، چه ملی‌گراها و چه دلیستگان سعودی، هیچ‌یک مایل به اجرای کامل این قرارداد نیستند و این فقط صدام حسین نبود، که با این قرارداد مشکل داشت. من روایتی را از دیدار حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران با عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق که فردی بسیار نزدیک به ایران بود شنیدم. آقای عبدالمهدی بعد از توافق برای اجرای بخش‌های معطل مانده قرارداد ۱۹۷۵ از جمله لایروبی شط‌العرب از رئیس‌جمهور می‌خواهد که این توافق‌ها برای مدتی مسکوت‌مانند، چراکه به گفته او «اگر من این را اعلام کنم، همین امروز مرا می‌کشند.» قرارداد ۱۹۷۵ یک پیروزی تاریخی برای ایران بود.

ایران و بازیگران غیردو

بررسی چگونگی ارتباط شاه با گروه‌های کُرد عراقی و شیعیان لبنان

